



Research article

The Workbook of Literary Texts in Iraqi Career
Vol. 1, Issue 3, Fall 2020, pp. 93-105

**Diversity of connective likes; the Dynamism Principal Element of Sa'di's
Sonnets."**

Omid Majd*

Associate Professor, University, Tehran, Iran

Mazyar Toupe

Graduated from Tehran University

Received: 09/15/2020

Accepted: 11/30/2020

Abstract

Simile is the most substantial pillar in rhetoric that has basically efficacy in imagination. Studying the kinds of simile, simile elements, original simile and dynamism and permanency of simile can be recognized as the style and specific language of poet showing the evolution of rhetoric. Sa'di's Ghazals is one of the literary works that has employed different kinds of implicit similes, comparative similes and comparative-implicit similes professionally. Therefore, present study aims to figure out the similes in Sa'di's sonnets to rummage how choice and composition of these elements help the poet to make a new simile. The findings reveal that the employment of different connective likes for alike tenor and vehicle is the most important reason for dynamism of Sa'di's similis.

Keywords: eloquence, simile types, point of resemblance 'sa'adi sonnets.

* Corresponding author E-mail address:



فصلنامه کارنامه متون ادبی دوره عراقی
سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۹ هـ ش، صص. ۹۳-۱۰۵

تنوع وجه شبه؛ عنصر اصلی پویایی تشبیهات سعدی

امید مجد*

دانشیار دانشگاه تهران

مازیار توپه

دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۵

چکیده

تشبیه اساسی ترین رکن دستگاه بلاغی زبان است که نقش بسزایی در عرصه تصویرآفرینی های بدیع و خیال انگیز ایفا می کند. بررسی انواع تشبیه، مواد تشبیه، تشبیهات نو، ابزار تشبیه و ایستایی و پویایی آن، می تواند بیانگر سبک و زبان خاص شاعر باشد و همچنین تحولات سبکی دستگاه بلاغی را نشان دهد. غزلیات سعدی از جمله آثار ادبی است که در آن انواع تشبیهات مضمّر، تفضیلی و مضمّر تفضیلی بسیار استادانه به کار رفته است. از این روی، این مقاله با بررسی انواع تشبیهات مذکور در غزلیات سعدی، به نحوی گزینش و ترکیب این امکانات متعدد زبانی در خلق تشبیهات بکر توسط شاعر را مورد واکاوی قرار می دهد. برای نیل به این منظور تمام تشبیهات غزلیات سعدی همراه با وجه شبه ها و مشبه به های آن، در قالب پایان نامه کارشناسی ارشد استخراج و بررسی گردید؛ به عبارت دیگر جامعه آماری این مقاله کامل ترین جامعه آماری ممکن است. نتیجه این پژوهش حاکی از آن است که کاربرد وجه شبه های متفاوت برای مشبه و مشبه به های یکسان از مهمترین دلایل پویایی تشبیهات سعدی است. این امر سبب تنوع زبانی سعدی شده، ابعاد شباهت طرفین تشبیه را از زوایای مختلف بازنمایی می کند.

واژه های کلیدی: بلاغت، انواع تشبیه، وجه شبه، غزلیات سعدی

۱. مقدمه

سبک هر شاعر یا نویسنده‌ای حاصل گزینش سطوح معنایی، دستوری و آوایی زبان است؛ در نتیجه هر متن دارای ویژگی‌هایی خواهد بود که فرآورده گزینش‌هایی است که فرد در تمامی این سطوح صورت می‌دهد و روی هم رفته سبک ویژه متن را رقم می‌زند (مهاجر و نبوی، ۱۳۷۶: ۱۰۵). در سبک‌شناسی بلاغی نوع دید و رویکرد شاعران یا نویسندگان به جهان نمایانده می‌شود. تشبیه مهمترین عنصر سازنده دستگاه بلاغی است که صورت‌های دیگر خیال مانند استعاره، تشخیص و حتی رمز و کنایه از آن ناشی می‌شود. تشبیه نشان‌دهنده وسعت و زاویه دید شاعر است. ابن رشیق قیروانی در اهمیت تشبیه می‌گوید: «شعر چیزی است که مشتمل بر تشبیهی خوش و استعاره‌ای دلکش باشد و در ماسوای آنها گوینده را فضل و وزنی خواهد بود و بس» (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۷). از طرفی دیگر ارکان تشبیه می‌تواند میزان تقلید یا خلاقیت نویسنده و شاعر را نشان دهد و صاحب سبک را از مقلدان متمایز می‌کند؛ زیرا «مقلدان از تشبیهات و استعارات ایشان استفاده می‌کنند و در واقع از چشم ایشان می‌بینند و از زبان ایشان می‌گویند» (شمیسا، ۱۳۷۶: ۳۷۸).

سعدی یکی از بزرگترین شاعران تعلیمی سرای سده هفتم هجری است. عظمت سعدی در آن است که در نظم و نثر و نیز در انواع شعر از مثنوی گرفته تا قصیده و غزل هنرنمایی کرده است و مضامین مختلفی چون اخلاق، سیاست، اجتماع، عرفان و عشق را با بیانی هنرمندانه در شعر و نثر به سلک عبارت در آورده است. از این روی ناقدان سخن وی را استاد رموز عاشقی و آموزگار تقوا و خردمندی نامیده‌اند (زرین کوب، ۱۳۷۴: ۲۵۳). وی با استفاده از شگردهای هنری مختلف از جمله صنایع بدیعی مانند انواع جناس، ایهام و استخدا و نیز آرایه‌های بیانی مانند تشبیه، تأثیر کلام خود را دوچندان می‌کند.

بارزترین تصویر هنری که سعدی در بیان افکار و عواطف خویش به کار می‌برد تشبیه است. تشبیه در آثار وی کاربرد وسیع و معناداری دارد و به صورت‌های مختلفی در کلام وی جلوه‌گر می‌شود و مانع از یکنواختی و ملال‌انگیزی سخن می‌گردد. استاد سخن توانسته است با ساده‌ترین تشبیهات در متنی عاشقانه، نکات حکیمانه خویش را عرضه دارد. از این روی در مقاله حاضر میزان خلاقیت سعدی در کشف وجه شبه‌های جدید و متنوع بین طرفین تشبیه مورد بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

علاوه بر کتاب‌های بلاغیون گذشته و معاصر که درباره انواع تشبیه و کاربردهای آنها سخن گفته‌اند، در سال‌های اخیر پژوهش‌های درخور توجهی در قالب سبک‌شناسی بلاغی انجام شده است و نقش تشبیه در خلق انواع تصاویر شاعرانه بررسی شده است؛ از جمله می‌توان به مقاله «نقد و بررسی در قصاید سیف فرغانی» (۱۳۹۲) نوشته محمدامیر مشهدی، عبدالله واثق عباسی و فاطمه ثواب اشاره کرد که با گزارش تحلیل آماری از تشبیهات سیف فرغانی، انواع تشبیه و میزان خلاقیت شاعر در ابداع آن را واکاوی کرده‌اند. مقاله «تشبیه و بسامد کاربرد آن در دیوان سعیدخان مولتانی» (۱۳۹۱) بسامد انواع تشبیه در نمایش عاطفه شاعر مورد ارزیابی قرار گرفته است. مقاله «نقش تشبیه در دگرگونی‌های سبکی» (۱۳۸۴) از احمد رضایی جمکرانی به بررسی تحولات سبکی ناشی از تشبیه در شعر نو پرداخته است. همچنین در مقاله «بررسی جایگاه تشبیه و تمثیل در اندیشه‌های تعلیمی سعدی» (۱۳۹۲) از

حسین آقاحسینی و الهام سیدان، کاربرد تشبیه در نقش کارآمدترین ابزارهای بلاغی برای بیان پیام اخلاقی بررسی شده است. اما تاکنون مقاله‌ای که تنوع و گستردگی وجه شبه را در طرفین ثابت تشبیه و خلاقیت آفرینی در انواع تشبیهات در غزلیات سعدی را مورد بررسی قرار داده باشد، صورت نگرفته است.

۱-۲. مبانی نظری پژوهش

در کتب بلاغی، تشبیه یکی از مهمترین صنایع بدیع معنوی محسوب می‌شود. در واقع در تشبیه چیزی را به چیز دیگر در داشتن صفتی مانند می‌کنند و دارای چهار رکن مشبه، مشبه‌به، ادات تشبیه و وجه شبه است (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۱). تشبیه را به اعتبار عناصر تشکیل‌دهنده آن به انواع متفاوتی تقسیم‌بندی کرده‌اند. اگر در تشبیه ادات تشبیه ذکر شود، آن را تشبیه مرسل یا صریح گویند و اگر ادات تشبیه حذف گردد، تشبیه مؤکد نامیده می‌شود و بدین طریق عینیت بین دو چیز که غیریت دارند، محسوس تر و دقیق تر می‌گردد (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۵۶). همچنین تشبیه به اعتبار ذکر یا ذکر نکردن وجه شبه به دو نوع تقسیم می‌شود: تشبیه مفصل که تشبیهی است که وجه شبه در آن ذکر شده باشد. در این تشبیه گاه از باب مسامحه به جای وجه شبه، وصفی مذکور می‌شود که مستلزم اوست. دیگر گونه تشبیه، تشبیه مجمل است که وجه شبه در آن ذکر نمی‌شود. این نوع تشبیه برای کشف پیوند دو طرف تشبیه مخاطبش را به کوشش و قدرت تخیل او را فعال می‌کند و با رسیدن به هدف و یافتن پیوند، لذتی مضاعف برای مخاطب به وجود می‌آورد.

تشبیه مرکب «یک هیأت انضمامی است و به قول قدما مرکب از چند چیز است و به زبان امروزی تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن نقش داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۱: ۷۱). تشبیه تمثیلی که «مشبه به» آن جنبه مثل یا حکایت دارد و وجه شبه آن «امری آشکار و ظاهری نیست و بر روی هم نیاز به تأویل دارد؛ زیرا «مشبه و مشبه به» در صفت حقیقی مشترک نیستند (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۶۶). نوع دیگر تشبیه، تشبیه تفضیلی است که در آن «گوینده چیزی را به چیزی تشبیه کند و سپس از عقیده خود برگردد و مشبه را بر مشبه به رجحان دهد (داد، ۱۳۷۱: ۷۶).

تشبیه مضمّر (پنهان و ضمنی) را شاعرانه‌ترین نوع تشبیه دانسته‌اند؛ چرا که «شاعر کلام را طوری می‌آورد که گویی خیال تشبیه ندارد، همین امر سبب می‌شود که ذهن مخاطب بیشتر به جست‌وجو می‌پردازد و ارتباط را با دقت دنبال می‌کند» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱). در تشبیه مفروق هر مشبه با مشبه به خود ذکر می‌گردد و سپس مشبه دیگر با مشبه به خود آورده می‌شود (تفتازانی، ۱۳۷۲: ۱۶۹). برعکس تشبیه ملفوف که ابتدا مشبه‌ها ذکر می‌شوند و سپس مشبه‌ها. این تشبیه مبتنی بر صنعت بدیعی «لف و نشر» است (شمیسا، ۱۳۷۱: ۱۱۹). علمای بلاغت نوع دیگری از تشبیه نیز قائل‌اند؛ بدین صورت که اگر «مشبه» واحد و «مشبه به» متعدد باشد، تشبیه جمع ایجاد می‌شود (تفتازانی، ۱۳۷۲: ۱۷۱) و اگر «مشبه» متعدد و «مشبه به» یکسان باشد، تشبیه تسویه شکل می‌گیرد (همایی، ۱۳۸۹: ۱۵۷).

اما آنچه در بین انواع تشبیهات حائز اهمیت است، مشبه به و وجه شبه است. «مشبه به از جمله عناصری است که نمایانگر خلاقیت در دستگاه بلاغی است؛ زیرا علاوه بر تشبیه، اساس استعاره را نیز تشکیل می‌دهد. وجه شبه از مشبه به اخذ می‌شود، نو بودن این عنصر به نوآوری در ساختمان تشبیه می‌انجامد و برعکس تکراری و تقلیدی بودن آن ساختمان تشبیه را مبتذل و عامیانه می‌سازد» (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴: ۸۹). از سوی دیگر به کارگیری

مشبه‌به‌هایی که جز سنن ادبی محسوب می‌شوند، باعث خودکاشدگی ساختار تشبیه می‌گردد؛ مثلاً به کاربردن نرگس در نقش مشبه به چشم، یا گل در نقش مشبه به روی و... و هیچ وجه تازه‌ای برای خواننده آشنا به ادبیات ندارد؛ زیرا فقط آوردن مشبه‌به‌های تازه و نو، زبان ادبی را در دستگاه بلاغی برجسته می‌کند. همچنین باعث می‌شود در محور همنشینی تشبیه، میزان حدس مخاطب تقلیل پیدا کند یا در برخی موارد به صفر برسد و مشبه کاملاً خلاف انتظار مخاطب باشد. بدون تردید اهمیت و ارزش هنری یک تشبیه به چگونگی و کیفیت وجه شبه وابسته است. وجه شبه رابطه‌ای است که شاعر یا نویسنده به کشف آن نایل گردیده و اهمیت این چنین ارتباطی بین طرفین کشف کمتر از یک قانون علمی نیست (شفیعی کدکنی، ۱۳۶۶: ۱۸).

۲. بحث و بررسی

از مهمترین مسائلی که باید در بحث و بررسی تشبیهات در غزلیات سعدی مورد توجه قرار داد، مهارت وی در زدودن کهنگی از تشبیهات پر کاربرد و رایج در اشعار غنایی است. اصلی‌ترین کنشگر غزلیات عاشقانه، یار و خصوصیات جسمی و روحی اوست که دائماً قوه خیال شاعران آنها را به اجزا و عناصر طبیعی مانند می‌کنند تا ملموس تر به نظر برسند. تضمین و اقتباس شاعران از یکدیگر سبب شده است تا برخی از تشبیهات دیگر جنبه ادبی نداشته باشند و خواننده ذوقی برای کشف رابطه طرفین تشبیه نداشته باشد. اما گزینش استادانه سعدی از امکانات زبانی و بلاغی در این مورد نیز انکارناپذیر است. برای نمونه تشبیه «قد» به «سرو» و یا «روی» به «گل» از تشبیهات پر کاربرد شعر غنایی است، اما سعدی در قالب تشبیهات مضمر، تفضیلی و مضمر - تفضیلی از کهنگی آن می‌کاهد.

در دو بیت زیر، یار به سرو تشبیه شده است، اما سروی که سخنگوست و یا سروی که توانایی راه رفتن (تشبیه مشروط) دارد. همچنین در مصراع دوم بیت دوم یار به ماه تشبیه شده، ولی ماهی که توانایی سخن گفتن (تشبیه مشروط) دارد. همان گونه که قبلاً اشاره داشتیم هدف از تشبیه، عینیت بخشیدن به «مشبه» به واسطه «مشبه‌به» است، ولی در تشبیهات مشروط شاعر دو نوع وجه شبه در نظر دارد که با تفضیل مشبه بر مشبه‌به، وجه شبه دوم نقض می‌شود. از این روی، تناقضی که تشبیهات تفضیلی در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند، التذاذ ادبی را چند برابر می‌کنند و جنبه تکراری بودن تشبیه را کم‌رنگ می‌سازند.

چو سرو بوستانستی وجود مجلس آرایت اگر در بوستان سروی سخنگوی و روانستی
(سعدی: ۵۲۵)

سرو را مانی ولیکن سرو را رفتار نه ماه را مانی ولیکن ماه را گفتار نه
(سعدی: ۱۱۷)

همچنین در بیت زیر، شاعر با وارد کردن دو کنشگر دیگر در رابطه مشبه و مشبه‌به با استفاده از تشبیه مضمر، بار دیگر قد یار را به سرو مانند می‌کند؛ بنابراین خواننده نیز به صورت ضمنی و تلویحی متوجه ارتباط بین سرو و قد یار می‌شود:

به پای سرو در افتاده اند لاله و گل مگر شمایل قد نگار من دارد
(سعدی: ۱۷۱)

قیام خواستمت کرد عقل می گوید مکن که شرط ادب نیست پیش سرو قیام
(سعدی: ۳۵۸)

در دو بیت زیر بار دیگر قد یار به وسیله تشبیه مضمیر تفضیلی به سرو مانند شده است. سعدی با وارد کردن عنصر مکان (چمنزار، بوستان) و شخصیت (سرو، باغبان) به غزل، جنبه روایی آن را تقویت می کند و خواننده ضمن مواجهه با صحنه ایستادن معشوق و خمیدگی سرو، نشستن معشوق پای درخت سرو و نظارگی باغبان، به تشبیه شاعر پی می برد:

عجب گر در چمن بر پای خیزد که پیشش سرو نشیند به زانو
(سعدی: ۴۷۹)

تورا در بوستان باید که پیش سرو نشینی و گرنه باغبان گوید که دیگر سرو نشانم
(سعدی: ۴۱۴)

حتی در مواردی که تشبیهات کلیشه ای در قالب تشبیه صریح به کار برده شده است، گزینش کلمات به گونه ای است که تناسب خوش آهنگی از با هم آبی آرایه ها شکل می گیرد و بر نفوذ و قدرت کلام می افزاید. برای نمونه در بیت:

سرو بالای منا گر به چمن برگذری سرو بالای تو را سرو به بالا نرسد
(سعدی: ۱۸۹)

سعدی سه مرتبه یار و قامت یار را به سرو تشبیه کرده است که تکرار سرو و بالا علاوه بر ایجاد صنعت تکرار، بلندای قامت یار را متصور می سازد.

از دیگر عرصه های هنرنمایی و توانمندی سعدی کاربرد تشبیهات ملفوفی است که مشبه و مشبه به یکسانی دارند، ولی وجه شبه های آن متفاوت است. برای مثال، عاشق و معشوق در ابیات زیر به صورت ملفوف به گل و بلبل تشبیه شده اند، اما هر بار شاعر وجه شبه های جدیدی را در نظر گرفته است. بدین ترتیب که اگر گل خوشبو و خندان است و ممدوح واقع می شود، بلبل، خوشگو، شیدا، مداح و غمزده است:

ای گل خوشبوی اگر صد قرن باز آید بهار مثل من دیگر نینسی بلبل خوشگوی را
(سعدی: ۲۲)

نه تو را از من مسکین نه گل خندان را خبر از مشغله بلبل شیدایی هست
(همان: ۱۱۰)

صبر بر جور رقیت چه کنم گر نکم همه دانند که در صحبت گل خاری هست
(همان: ۱۱۱)

چو بلبل آمدت تا چو گل ثنا گویم چو لاله لال بکردی زبان تحسینم
(همان: ۴۲۴)

تو همچون گل ز خندیدن لب باهم نمی آید روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم
(همان: ۴۲۳)

بنابراین، آنچه در این پژوهش برای ما حائز اهمیت ویژه است، پویایی وجه شبه با وجود طرفین ثابت در تشبیهات است. به صورت مکرر در غزلیات سعدی قابل مشاهده است که وی با وجود مشبه و مشبه‌به ثابت، با تغییر یا کشف وجه شبه جدید توانسته است بر زیبایی و خلاقیت کلام خویش بیفزاید. به منظور اثبات مدعای مذکور، از غزلیات سعدی تشبیهاتی را که مشبه آن معشوق، عاشق و یا عشق است، انتخاب کرده‌ایم. در مواردی که مشبه آن «معشوق» است، بیش از چندین بار «سرو»، «آفتاب»، «خورشید»، «پری»، «قبله» و «بهشت» مشبه‌به واقع شده‌اند، اما هر بار که معشوق به پدیده‌های ذکر شده، همانند شده است، سعدی از وجه شبه تازه‌ای استفاده کرده است.

الف: تشبیه یار به سرو

سعدی در تشبیه قامت یار به سرو با افزودن وجه شبه‌های آزادگی، جاودانگی و دائمی بودن آن، ضمن بهره بردن از سنن ادبی آشنا، ارزش‌های ادبی تشبیهات رایج را بازآفرینی می‌کند:

می‌روی و التفات می‌کنی سرو هرگز چنین نرفت آزاد

(سعدی: ۱۵۴)

چون گل روند و آیند این دلبران و خوبان تو در برابر من چون سرو بایستادی

(همان: ۵۳۳)

ب: تشبیه معشوق به آفتاب و خورشید

در تشبیه چهره معشوق به آفتاب علاوه بر وجه شبه پرتو افشانی، زیبایی، بلندمرتبگی و سوزاندگی، آب در چشم افتادن از خیره شدن (نگاه کردن به آنها)، روشنی روی، بلندمرتبگی و عظمت، روشنی خیره کننده و تنها رفتن آن نیز مورد توجه قرار گرفته است:

بهبشتی صورتی در جوف محمل چو برجی کآفتابش در میان است

(همان: ۸۱)

آفتابی تو و من ذره مسکین ضعیف تو کجا و من سرگشته کجا می‌نگرم

(همان: ۳۹۳)

کدام سنگدل است آنکه عیب ما گوید گر آفتاب بینی چو موم بگدازی

(سعدی: ۵۷۸)

در همه عمرم شبی بی‌خبر از در آی تا شب درویش را روز برآید به شام

(همان: ۳۶۱)

ای ذره تو در مقابل خورشید بیچاره چه می‌کنی بدین خردی

(همان: ۵۳۴)

هیچم اندر نظر نمی‌آید تا تو خورشید روی در نظری

(همان: ۵۴۴)

تو را خود یک زمان با ما سر صحرا نمی‌باشد چو شمس‌خاطر رفتن بجز تنها نمی‌باشد

(همان: ۲۰۷)

اگر صد نوبتش چون قرص خورشید	بیینم آب در چشم من آید (همان: ۲۴۴)
دو چشم خیره ماند از روشنایی	ندانم قرص خورشید است یارو (همان: ۴۷۹)

پ: تشبیه معشوق به آهو و غزال

سعدی معشوقی را می‌پسندد که درعین زیبایی، طناز، ظریف و سرکش باشد و رام عاشق نباشد. از این روی آهو و غزال می‌توانند نمونه‌ای تمام عیار از رفتار فریبنده معشوق را نشان دهند و سعدی با درنظر گرفتن وجوه شباهت‌هایی چون زیبایی، گریز پایی، ظرافت و درعین حال رهایی غزال، معشوق خویش را توصیف می‌کند:

لَقَيْتُ الْأَسَدُ فِي الْغَابَاتِ لَا تَقْوَى عَلَي صَيْدِي	و هَذَا الطَّبِيُّ فِي شِيرَازِ يُسَيِّبُ بِأَحْدَاقِي (سعدی: ۵۸۶)
عاقبت سر به بیابان بنهد چون سعدی	هر که در سر هوس چون تو غزالی دارد (همان: ۱۷۳)
تو مشکبوی سیه چشم را که دریابد	که همچو آهوی مشکین از آدمی برمی (همان: ۵۹۶)
چه دستان با تو درگیرد چو روباه	که از مردم گریزان چون غزالی (همان: ۵۹۴)

ت: تشبیه معشوق به بهشت

معشوق سعدی علاوه بر زیبایی و طراوات، وجودی معجزه‌گر دارد که عمر جاودان به عاشق عطا می‌کند. از این سبب همچون بهشت برین است که همه چیز در آن تازه و جوان و جاویدان می‌ماند:

بهشت است اینکه من دیدم نه رخسار	کمند است آنکه وی دارد نه گیسو (همان: ۴۷۹)
این است بهشت اگر شنیدی	کز دیدن آن جوان شود پیر (همان: ۳۰۴)

ث: تشبیه معشوق به پادشاه

سعدی به واسطه مشبهه به «پادشاه» توانسته است ابعاد وجودی و خصایص رفتاری معشوقش را که جنبه انتزاعی دارد، عینیت ببخشد. به همین دلیل، معشوق شعر وی همانند پادشاهی توانگر، فرمانروا، بلندمرتبه و باشکوه، ستمگر، دارای عتاب و ناز، جفاکار، دارای کوبه، بی‌التفات به مخدوم و ... است:

ای پادشاه سایه ز درویش و امگیر	ناچار خوشه چین بود آنجا که خرمن است (سعدی: ۷۸)
اگرم حیات بخشی و گرم هلاک خواهی	سر بندگی به حکمت بنهیم که پادشاهی (همان: ۶۳۵)
درویش را که نام برد پیش پادشاه	هیئات از افتقار من و احتشام دوست (همان: ۱۰۰)

تو پادشاه کجا یاد پاسبان آری (همان: ۵۶۷)	تو را چه غم که مرا در غمت نگیرد خواب
تو هر آن ستم که خواهی بکنی که پادشاهی (همان: ۵۰۵)	چه کنند اگر تحمل نکنند زیردستان
پادشاهی می رود با لشکری (همان: ۵۵۷)	صد هزارش دست خاطر در رکاب
چه کنند از این لطافت که تو پادشاه داری (همان: ۵۷۱)	تو جفا کنی و صولت دگران دعای دولت
چندان که خواهی ناز کن چون پادشاهان بر خدم (سعدی: ۳۵۲)	آخر نگاهی باز کن و آنکه عتاب آغاز کن

ج: تشبیه یار به پری

سعدی از معشوقی سخن می گوید که همچون پری از نظر پنهان است و حتی خیال دیدار با او مسحورکننده است:

فریاد در نهاد بنی آدم اوفتد (همان: ۱۵۸)	گر در خیال خلق پری وار بگذری
نیاید هرگز این دیوانه با هوش (همان: ۳۳۵)	نشانی ز آن پری تا در خیال است
رسم بود که از آدمی روی نهد کند پری (همان: ۵۴۹)	دانمت آستین چرا پیش جمال می بری

ج: تشبیه یار به قبله

معشوقی که سعدی آن را می ستاید، قبله گاه و سجده گاه عالمیان است:

نگاه به توست که هم قبله ای و هم صنمی (همان: ۵۹۶)	چنین که می گذری کافر و مسلمان را
قبله اهل دل منم سهو نماز می کنی (همان: ۶۶۲)	پیش نماز بگذرد سرو روان و گویدم

ج: تشبیه یار به زنبور

معشوق سعدی کمرباریکی، شیرین زبانی، نوش و نیش زنبور را داراست:

شهد لب شیرین تو زنبور میان را (سعدی: ۱۸)	آنک عسل اندوخته دارد مگس نحل
عسلی دوزد و زنار بیند زنبور (همان: ۳۰۲)	این حلاوت که تو داری نه عجب کز دست
که در طبیعت زنبور نوش باشد و نیش (همان: ۳۳۸)	کنون به سختی و آسانی اش بیاید ساخت

از دیگر اجزای مهم و سازنده تشبیهات در غزلیات سعدی، عاشق و متعلقات جسمی و روحی اوست. عاشق و اجزای وجود او از نگاه سعدی به «آینه (آبگینه)»، «بنده»، «شمع»، «بلبل»، «پروانه»، «دیگ»، «مرغ»، «چنگ» و غیره تشبیه‌شدنی است. وی روابط بین عاشق و عناصر مذکور را از ابعاد گوناگون مورد واکاوی قرار داده است:

خ: تشبیه دل به آبگینه

عاشق از نگاه سعدی باید دلی چون آبگینه، زلال داشته باشد تا جلوه‌گاه تمام نمای معشوق باشد و لیکن آبگینه شکننده دل او طاقت بی‌مهری معشوق را ندارد:

قلب رقیق چند پیوشد حدیث عشق هر آنچه به آبگینه پیوشی مبین است

(همان: ۷۸)

اگر چه ناقص و نادانم این‌قدر دانم که آبگینه من نیست مرد سندانش

(همان: ۳۲۹)

د: تشبیه عشق به آتش

سعدی وعظ و نصیحت را در عرصه عشق‌ورزی نیز فرو نمی‌گذارد. وی معتقد است که عشق همچون آتش، سوزاننده است و هر کس که طاقت سوزندگی و گداختگی عشق را نداشته باشد، مرد میدان نیست، اما چون از این مرحله به سلامت گذشت، آنگاه از وجود نورانی عشق برخوردار می‌شود. عاشق در این مسیر ناگزیر از غلیان و جوشش (بر سر آتش عشق) است تا به مرحله کمال و پختگی برسد:

هر که در آتش عشقش نبود طاقت سوز گو به نزدیک مرو کآفت پروانه پر است

(سعدی: ۶۶)

عیش‌ها دارم در این آتش که بینی دم‌به‌دم کاندرونم گرچه می‌سوزد منور می‌شود

(همان: ۲۷۲)

هزار جهد بکردم که سر عشق پیوشم نبود بر سر آتش میسر م که نجوشم

(همان: ۴۰۵)

هر که معشوقی ندارد عمر ضایع می‌گذارد همچنان ناپخته باشد هر که بر آتش نجوشد

(همان: ۲۱۲)

ذ: تشبیه عاشق به شمع

سعدی تصویرگر عاشقی است که آرزو می‌کند شمع صفت در برابر معشوق بگدازد و از گداختن وی دیگران بهره‌مند گردند، اما از اینکه معشوق وی همانند شمع شاهد عامی باشد بیمناک است:

آرزو می‌کنم شمع صفت پیش وجودت که سرا پای بسوزند من بی سرو پا را

(همان: ۶)

انصاف نباشد که من خسته رنجور پروانه او باشم او شمع جماعت

(همان: ۱۳۵)

بیم آن است دمامد که چو پروانه بسوزم از تغابن که تو چون شمع چرا شاهد عامی

(همان: ۵۹۸)

ر: تشبیه عاشق به بلبل

سعدی در آمیختگی حالات روحی و جسمی عاشق را با تشبیه او به بلبل نغمه‌سرا، شیدا و بی‌خبر از خود وصف می‌کند:

مرا رسد که بر آرم هزار ناله چو بلبل	که احتمال ندارم از دوستان ورقی گل
(سعدی: ۳۴۶)	
بر گل روی تو چون بلبل مستم واله	به رخ لاله و نسرين چه تمنا دارم
(همان: ۳۸۸)	
محبت با کسی دارم کز او با خود نمی‌آیم	چو بلبل کز نشاط گل فراغ از آشیان دارد
(همان: ۱۷۰)	

ز: تشبیه عاشق به بنده

عاشق غزلیات سعدی در عین کمال و پختگی، در برابر معشوق همانند بنده‌ای عاجز و ناتوان، بی‌اختیار و تسلیم، بردبار و صبور، وفادار با وجود بی‌مهری یار، فروتن و خدمتگزار است:

بنده‌وار آمدم به زنه‌ارت	که ندارم سلاح پیکارت
(همان: ۳۶)	
ترک خوبان خطا عین صواب است ولیک	چه کند بنده که بر نفس خودش فرمان نیست
(همان: ۱۲۲)	
چه کند بنده که بر جور تحمل نکند	دل اگر سنگ شود مهر تبدیل نکند
(همان: ۲۴۰)	
بوسه دهم بنده‌وار بر قدمت و سرم	در سر این می‌رود بی‌سر و پای می‌گیر
(سعدی: ۳۰۶)	
من دعا گویم اگر تو همه دشنام دهی	بنده خدمت بکنم و نکنند اعزازش
(همان: ۳۲۵)	

ژ: تشبیه عاشق به پروانه

عاشق باید همانند پروانه، بی‌باک، جان بر کف، اهل گذاختن و دم برنیاوردن و خود را فدای معشوق کردن باشد:

از تو با مصلحت خویش نمی‌پردازم	همچو پروانه که می‌سوزم و در پروازم
(همان: ۳۷۹)	
صبر چون پروانه باید کردنت بر داغ عشق	ای که صحبت با یکی داری نه در مقدار خویش
(همان: ۳۴۲)	
سوزناک افتاده چون پروانه‌ام در پای تو	خود نمیسوزد دلت چون شمع بر بالین من
(همان: ۴۷۲)	

س: تشبیه عاشق به چنگ

از جهتی دیگر، عاشق باید همانند چنگ سر به زیر داشته باشد و در برابر نواختن‌های معشوق ایستادگی داشته

باشد:

همچو چنگم سر تسلیم و ارادت در پیش تو به هر ضرب که خواهی بزن و بنوازم
(همان: ۳۹۷)

مده به دست فراقم پس از وصال چو چنگ که مطربش بزند بعد از آنکه بنوازد
(سعدی: ۱۸۵)

ش: تشبیه عاشق به دیگ

سعدی هنرمندانه توانسته است حالات روحی متضاد عاشق را با در نظر گرفتن وجه شبه‌های متمایز برای مشبّه‌به «دیگ» مجسم کند. وی عاشقی را توصیف می‌کند که در برابر سنگدلی معشوق مانند دیگی بر سر آتش در حال جوشش و اضطراب است و از طرف دیگر گاهی می‌تواند بی‌رحمی‌های او را همانند همان دیگ تحمل کند:

دل سنگینت آگاهی ندارد که من چون دیگ روین می‌زنم جوش
(همان: ۳۳۳)

نه هاونم که بنالم به کوفتی از یار چو دیگ بر سر آتش نشان که بنشینم
(همان: ۴۲۴)

ص: تشبیه عاشق به گوی

عاشق در برابر معشوق همانند گویی باید فرمانبردار، بی‌اختیار، صبور، فروتن و افتاده در پای معشوق باشد تا لایق وصال محبوب شود:

گر به سر می‌گردم از بیچارگی عیبم مکن چون تو چو گان میزنی عیبی نباشد گوی را
(همان: ۲۲)

چو نیست راه بیرون آمدن ز میدانست ضرورتست چو گوی احتمال چو گانت
(همان: ۱۴۸)

بس که در خاک می‌تپد چون گوی از خم زلف همچو چو گانش
خواهم اندر پایش افتادن چو گوی و ربه چو گانم زند هیچش مگوی
(سعدی: ۶۲۷)

ض: تشبیه دل به مرغ

دل عاشق همانند مرغی است که به معشوق الفت گرفته است و در پی دانه خال معشوق؛ دانه‌ای که معشوق برایش ریخته، به دام وی در افتاده است و زیبایی معشوق سبب پرواز مرغ دل عاشق به سوی اوست:

چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم که یاد می‌نکند عهد آشیان ای دوست
(همان: ۱۰۴)

عجب از دام غمش گر بجهد مرغ دلی این همه میل که با دانه خالش دارند
(همان: ۲۳۰)

در باغ حُسن خوشتر از اینان درخت نیست مرغانِ دل بدین هوس از بر پریده‌اند
(همان: ۲۲۵)

ط: تشبیه عاشق به فرهاد

در نهایت سعدی تصویر تمام‌نمای عاشق را در شخصیت عاشق پیشه فرهاد ترسیم می‌کند. از این روی آرزومند است همانند این اسطوره عشق‌ورزی، در راه معشوق جان خویش را فدا کند، تسلیم قضای عشق شیرین شود، عشق او را دیوانه سازد و برای رسیدن به یار از سفتن سنگ هم دریغ نکند:

چو فرهاد از جهان بیرون به تلخی می‌رود سعدی ولیکن شور شیرینش بماند تا جهان باشد

(همان: ۱۹۶)

فرهادوارم از لب شیرین گزیر نیست ور کوه محنتم به مثل بیستون شود

(همان: ۲۷۰)

گر تو شیرین زمانی نظری نیز به من کن که به دیوانگی از عشق تو فرهاد زمانم

(سعدی: ۴۱۷)

نشیده‌ای که فرهاد چگونه سنگ سفتی نه چو سنگ آستانت که به آب دیده سفتم

(همان: ۳۶۹)

۳. نتیجه‌گیری

نتیجه بررسی حاضر حاکی از آن است که تشبیه جایگاه ویژه‌ای در دستگاه بلاغی سعدی دارد و خود آگاهی شاعر در این امر دخیل بوده است. وی با کاربرد تشبیهات مضمّر، تفضیلی و مضمّر-تفضیلی می‌کوشد تا از کهنگی سنن ادبی رایج بکاهد. برای مثال، در انواع تشبیهات «یار» به «سرو»، جنبه تناقضی تشبیهات تفضیلی او التذاذ ادبی را چندبرابر می‌کند و جنبه تکراری بودن تشبیه را کم‌رنگ می‌سازد. در تشبیهات مضمّر شاعر با وارد کردن دو کنشگر دیگر در رابطه مشبه و مشبه‌به، بار دیگر قد یار را به سرو مانند می‌کند و با دخالت عنصر مکان (چمن‌زار، بوستان) و شخصیت (سرو، باغبان) به غزل، جنبه روایی آن را تقویت می‌کند و خواننده ضمن مواجهه با صحنه ایستادن معشوق و خمیدگی سرو، نشستن معشوق پای درخت سرو و نظارگی باغبان، پی به تشبیه شاعر می‌برد. از دیگر عرصه‌های هنرنمایی و توانمندی سعدی کاربرد تشبیهات ملفوفی است که مشبه و مشبه‌به یکسان دارند، ولی وجه‌شبه‌های متفاوت است.

همچنین علاوه بر کاربرد انواع تشبیه، به صورت مکرر در غزلیات سعدی قابل مشاهده است که وی با وجود مشبه و مشبه‌به ثابت، با کشف وجه‌شبه جدید توانسته است بر زیبایی و خلاقیت کلام خویش بیفزاید که نمونه بسیار مشهود آن را در تشبیهاتی که مشبه آن معشوق، عاشق است، قابل بررسی است. در مواردی که مشبه آن «معشوق» است، بیش از چندین بار «سرو»، «آفتاب»، «خورشید»، «پری»، «قبله» و «بهشت» مشبه‌به واقع شده‌اند. اما سعدی در تشبیه قامت یار به سرو با افزودن وجه‌شبه‌های آزادگی و جاودانگی آن، ضمن بهره بردن از سنن ادبی آشنا، ارزش‌های ادبی تشبیهات رایج را بازآفرینی می‌کند. معشوق غزل سعدی در پرتوافشانی، زیبایی، بلندمرتبگی و سوزاندگی، خیره‌کنندگی، روشنی روی، بلندمرتبگی و عظمت و یکه‌تازی همچون خورشید است و در زیبایی، طنازی، ظرافت و سرکشی همانند آهو و غزال است و در معجزه‌گری و جاودان‌بخشی عمر مانند بهشت است.

معشوق شعر وی همانند پادشاهی توانگر، فرمانروا، بلندمرتبه و باشکوه، ستمگر، دارای عتاب و ناز، جفاکار، بی‌التفات به مخدوم و... است. از طرف دیگر، شخصیت عاشق در غزلیات سعدی در عین کمال و پختگی، در برابر معشوق باید زلال و شکننده، عاجز و ناتوان، بی‌اختیار و تسلیم، بردبار و صبور، وفادار، فروتن و خدمتگزار، اسیر و پرتاقت باشد. ازین روی عاشق و اجزای وجود او از نگاه سعدی به «آینه (آبگینه)»، «بنده»، «شمع»، «بلبل»، «پروانه»، «دیگ»، «مرغ»، «چنگ» و غیره تشبیه‌شدنی است؛ بنابراین گستردگی مشبّه‌به و وجه‌شبه از مهمترین ویژگی‌های سبکی غزلیات سعدی محسوب می‌شود. ضمن اینکه مطالعه وجه‌شبه در تشبیهات وی می‌تواند جامعه‌شناسی دقیقی از عصر وی و سلاطین روزگارش گزارش دهد.

منابع

- تفتازانی، سعدالدین (۱۳۷۲)، **مفصل شرح مطول (علم بیان)**، جلد دوم، ترجمه ابومعین حمیدالدین حجت هاشمی خراسانی، قم: چاپ ستاره قم.
- داد، سیما (۱۳۷۱)، **فرونگ اصطلاحات ادبی**، چاپ اول، تهران: مروارید.
- رضایی جمکرانی، احمد (۱۳۸۴)، «نقش تشبیه در دگرگونی سبکی» **دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی**، شماره پنجم، ۸۵-۱۰۰.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴)، **با کاروان حله**، تهران: علمی.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۶۶) **صور خیال در شعر فارس**، چاپ سوم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۱) **بیان**، چاپ دوم، تهران: فردوس.
- علوی مقدم، محمد و رضا اشرف‌زاده (۱۳۷۹)، **معانی و بیان**، چاپ دوم تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- مهاجر، مهران و محمد نبوی (۱۳۷۶)، **به سوی زبان‌شناسی شعر**، چاپ اول، تهران: مرکز.
- همایی، جلال‌الدین (۱۳۸۹)، **فنون بلاغت و صناعات ادبی**، تهران: اهورا.

